

اگر نیاشی...

رضا صنعتی

بازداشتش از عمل به آن‌ها نیست. او می‌کوشد تا با دعوت آدمیان به هواپرستی حتی نور عقل و فطرت آن‌ها را خاموش کرده، ایشان را از وصف انسان بودن تهی کند.

• در تاریخ قیام کربلا می‌خوانیم: آنگاه که امام حسین علیه السلام در لحظه‌های آخر حیات خویش، حمله یزیدیان به خیمه‌هایی را دید که اینک تنها عده‌ای زن، کودک، زخمی و بیمار در آن‌ها باقی مانده بود، فریاد زد: «يَا شَيْعَةَ الشَّيْطَانِ إِن لَّمْ يَكُنْ لَكُمْ دِينٌ وَلَا تَخَافُونَ الْمَعَادَ فَكُونُوا أَحْرَارًا!» ای پیروان شیطان، اگر دین ندارید و از معاد نمی‌ترسید پس [لااقل] آزاد باشید!

۵ برتری انسان بر حیوان به عمل بر مقتضای عقل و فطرت خویش است.

• مشابه دانستن انسانی که عقل و فطرت خود را لگدمال شهوات خویش کرده با حیوانی که از چنین نعمت عظیمی بی بهره بوده، دوران عدالت است.

• «وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ»^۱ بسیاری از جن و انس را برای جهنم آفریده‌ایم. برای آن‌ها دل‌هایی است که با آن فهم نمی‌کنند و چشم‌هایی که با آن‌ها نمی‌بینند و گوش‌هایی است که با آن‌ها نمی‌شنوند. آن‌ها مانند چهارپایان، بلکه گمراه‌تر از چهارپایان اند. آن‌ها همان غفلت‌زدگان اند.»

• آری اگر خرنباشیم پست‌تر از حیوانیم!

۶ کربلا اوج تقابل خدا و شیطان، دین‌داری و دین‌ستیزی، آزادی و آزادبودن از انسانیت است.

• اینک این من و تو هستیم که نه تنها در ایام عزای حسینی، بلکه همواره باید موضع خود را در نبرد که در کربلا و وجودمان برپاست، مشخص کنیم که آیا شیعه خدایم یا شیعه شیطان؟! دین داریم یا دین‌گریز؟! آزاده‌ایم یا آزاد از انسانیت!؟

پی‌نوشت

۱. کشف الغممه (لالریلی)، ج ۲، ص ۵۰.

۲. اعراف: ۱۷۹.

۱ انسان بدون نیاز به دین و با اتکا بر حکم عقل و فطرت خویش، خوب و بد بسیاری از افعال را می‌فهمد.

• زشتی دروغ‌گویی، ظلم و ستم، خیانت، فحشا، فحاشی، تعرض به ناموس دیگران، قتل و جنایت، آزار و اذیت دیگران، آزردن زنان و کودکان بی دفاع و اموری از این دست را عقل و فطرت سلیم درک می‌کند. اجتناب از این امور، مقتضای زندگی انسانی است.

• همین عقل و فطرت می‌تواند خوبی و زیبایی اموری چون راست‌گویی، رعایت انصاف، عدالت، مهربانی، وفاداری، امانت‌داری، قدرشناسی، احترام به پدر و مادر، رسیدگی به فقرا و مستمندان، احسان به دیگران، ادب در گفتار و رفتار، رعایت حقوق دیگران و... را نیز درک کند. عمل به این خوبی‌ها نشان‌گر حیات انسانی است.

• کسی که به مقتضای عقل و فطرت سلیم خویش از این بدی‌ها و پلیدی‌ها دوری کرده و خود را به این خوبی‌ها آراسته، شایسته لقب حریت و آزادی است.

۲ اعتقاد به معاد و به خصوص ترس از جهنم (حیات دردناک اخروی) ضمانتی برای زندگی انسانی است.

• اعتقاد به حیات اخروی بدون نیاز به آموزه‌های دین، با برهان‌های عقلی اثبات‌شده است.

• اگر حتی چنین ضمانتی هم نبود انسانی زیستن و دوری از حیوان صفتی، عمل بر مقتضای آفرینش خویش بود.

۳ دین نیامده تا فقط حکم عقل و فطرت را بازگوید.

• دین آمده تا برتر از درک عقل و کشش فطرت، راهی مستقیم و میان‌بر برای دریدن حجاب‌های ظلمانی و نورانی به ما بنمایاند و ما را در به فعلیت رساندن توانایی‌های پنهانی روح الهی خود یاری کند.

• دین آمده تا ما را با راه‌های آسمان آشنا کند و چشمان قلبمان را به حقایق عالم روشن گرداند و ما را به معدن عظمت الهی برساند و انسان را به آنجا رهنمون شود که به جز خدا نبیند.

۴ تلاش شیطان تنها بر دوری انسان از آموزه‌های دین و